

فراخوان

سازمانیابی تشکل مستقل کارگری

و

اتحاد عمل تشکل های انقلابی

(چاپ پنجم)

\* فراخوان سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل های انقلابی

\* نویسنده و تدوین کننده: حجت برزگر

\* تاریخ چاپ اول: ۱۳۸۰/۱۰/۱۱ هجری شمسی برابر با ۲۰۰۲/۰۱/۰۱ میلادی

\* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

nasim@comhem.se و melh9000@yahoo.com

\* اصلاحات، تنظیم و تبدیل چاپ چهارم به فرمات PDF در ۱۳۸۳/۰۱/۲۳

(۲۰۰۴/۰۴/۱۱ میلادی) و چاپ پنجم ۱۳۸۵/۱۱/۰۲ (۲۰۰۷/۰۱/۲۲ میلادی) که

دربگیرنده هیچگونه تغییراتی در برنامه نیست، بجز تغییرات بسیار جزئی لغوی.

مطالبی که میخوانید، مجموعاً فراخوانی است هم به کارگران و زحمتکشان برای تشکیل تشکل مستقل حرفه ای - سیاسی محلی و سراسری خود، و هم به سوسیالیست ها و کمونیست ها، کارگران پیشرو، احزاب، سازمانها، گروه ها و مبارزین انقلابی جهت اتحاد عمل حول برنامه ای مشترک؛ و بنابراین، ساختن تشکلی سیاسی انقلابی واحد، آگاه، پر قدرت، جدی و منضبطی که هدف خود را سرنگونی رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی سرمایه داری و برقراری دموکراسی، سوسیالیسم و کمونیسم در جامعه قرار میدهد.

با تقدیم احترامات

حجت برزگر

۱۳۸۰/۱۰/۱۱

#### فهرست

صفحه

عنوان

۴

\* اطلاع به خوانندگان

۶

\* پیشگفتار

۹

\* «به همه کارگران آلمان»

۱۰

توضیح

۱۰	۱- فراخوان
۱۰	* موضوع
۱۲	۲- <u>طرح برنامه پیشنهادی</u>
۱۲	الف. بخش اول: اهداف
۱۶	ب. بخش دوم: مطالبات دموکراتیک
۱۶	• حقوق و وظایف
۱۹	• دادگستری
۱۹	• موازین محاکمات
۲۰	• حقوق متهمین و مجرمین
۲۱	• مذهب
۲۲	• حقوق ملل
۲۳	• زندگی مشترک و روابط جنسی
۲۴	• کودکان و جوانان
۲۴	• آموزش و پرورش
۲۵	• مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر
۲۵	• روابط خارجی
۲۶	• اقتصاد
۲۶	• قانون کار
۲۹	• رفاه و بیمه های اجتماعی
۳۰	۳- <u>ضمائم</u>
۳۰	* ضمیمه ۱، اساسنامه مجمع بین المللی کارگران
۳۴	- توضیح
۳۴	* ضمیمه ۲، نظامنامه اتحادیه کمونیست ها
۴۲	* ضمیمه ۳، نظامنامه اتحادیه کمونیست ها
۴۵	- توضیح
۴۶	* ضمیمه ۴، سازمانیابی و برکناری نمایندگان منتخب مردم

## اطلاع به خوانندگان

ضمن تصحیح لغزشهای کلامی چاپ اول، متن زیر نیز به قسمت پنجم، بخش «طرح برنامه پیشنهادی» (صفحه ۱۲)، اضافه گردیده است:

تغییر تحول اقتصادی دهه چهل... «جریان مرتجع اسلامی، که نماینده بورژوازی بین المللی (بخش اروپائی آن) بوده است، با پشتیبانی مالی و معنوی بورژوازی اروپا و خرده بورژوازی ایران، و با فرموله کردن شعارهایی در دوره انقلاب ۱۳۵۷ از قبیل: «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «دیو چو بیرون رود فرشته درآید»، «کارگر، برزگر، زما تو را درود»، «حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله»، «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، متحدانه توانستند کارگران و توده های زحمتکش را، جهت به شکست کشاندن مبارزات خودشان در انقلاب ۵۷، فریب دهند و بدنبال سیاستهای استبدادی، ارتجاعی، جنایتکارانه و استثمارگرانه، از قبل طرح ریزی شده بورژوازی اروپا، بسیج نمایند. بعبارت دیگر، بدلیل غیر متشکل بودن کارگران و توده های زحمتکش به مقیاس سراسری و فاقد برنامه و نظامنامه بودن آنان، و به این ترتیب، عدم دخالت مستقیم و سازمانیافته کارگران و توده های زحمتکش در سیاست، قبل و بعد از سرنگونی رژیم استبدادی سلطنتی، و با پشتیبانی مالی و معنوی بورژوازی اروپا و خرده بورژوازی ایران از جریان اسلامی، متأسفانه، باعث قدرت گیری رژیم مستبد، ارتجاعی، جنایتکارانه و استثمارگرانه... انقلاب دمکراتیک شده است.

و همچنین، زیر: «غیر متشکل بودن کارگران در تشکل مستقل خود در مقیاس سراسری، و فاقد برنامه و اساسنامه بودن کارگران»، که علت اصلی شکست مبارزات کارگران و توده های زحمتکش در انقلاب ۱۳۵۷ بوده، و بنابراین، منجر به کسب قدرت سیاسی توسط طبقات دیگر شده است، خط تأکید کشیده ام.

در جامعه سرمایه داری، هم بورژوازی بین المللی و هم بورژوازی ملی و هم خرده بورژواهای مرتجع، جدا از هرگونه اختلافی که با هم داشته باشند، متحدانه تلاش می کنند که کارگران و توده های زحمتکش نتوانند خود را به صورت یک طبقه متشکل سازند، و به این ترتیب، قدرت دخالت کردن در سیاست را نداشته، تا براحتمی بتوانند آنان را فریبانده و بدنبال سیاست های استثمارگرانه خود بکشانند. به این خاطر، احزاب و سازمانهای سیاسی گوناگونی، جهت جذب کارگران و توده های زحمتکش و به شکست کشاندن مبارزات آنان، سازمان

میدهند. این نوع تشکل‌ها معمولاً مدعی هستند که منافع کل اعضای جامعه، یعنی «ملت»، و یا منافع «ملی» را در نظر دارند. فریب این نوع دروغ‌های روشن، به روشنائی روزهای آفتابی، و آشکار را نباید کارگران و توده‌های زحمتکش بخورند.

در هر جامعه سرمایه‌داری، ملت، به طبقات گوناگون تقسیم شده است. به عنوان مثال، رژیم جمهوری اسلامی که مدافع منافع طبقه سرمایه‌داران است، با تمام اعضاء و مدافعین‌اش در ایران، که مرتکب یکی از بزرگترین جنایات علیه بشریت را شده‌اند، از کره ماه به ایران نیامده‌اند، بلکه در خود ایران متولد شده‌اند. بنابراین تا زمانی که نظام سرمایه‌داری پابرجاست، ملت واحدی در هیچ کشوری وجود ندارد، بلکه ملت، بصورت طبقات وجود دارد. طبقه کارگر در سراسر کره زمین، در هر کجا که زندگی کند از یک ملت واحد است، همانطور که طبقه بورژوا در هر کجا که زندگی کند از یک ملت واحد است. برای تغییر این وضعیت، باید نظام طبقاتی نابود گردد، تا انسانها بتوانند واقعاً بصورت یک ملت واحد به حیات خود ادامه دهند.

برای شناخت هر تشکل سیاسی مخالف رژیم و یا سیاستهای دولت حاکم، می‌توان از برنامه و شعارهای آنان پی برد که مدافع منافع کدام طبقه و کدام نظام اقتصادی و اجتماعی در جامعه میباشند. شعارها و مطالبات ظاهراً «زیبا» و «مجزوب کننده»، ولی گنگ و مبهم، متعلق به تشکل‌های بورژوایی و خرده بورژوایی است که جهت فریب دادن کارگران و توده‌های زحمتکش فرموله و تبلیغ میکنند.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت و مبارزه تشکل‌های کارگری، سوسیالیستی و کمونیستی این است که تلاش کنند، کارگران و توده‌های زحمتکش خود را بعنوان یک طبقه در تشکل مستقل خود (اتحادیه‌های حرفه‌ای و شورا) جهت کسب قدرت سیاسی سازمان دهند. کارگران و توده‌های زحمتکش نیز باید جهت به پیش بردن هر چه منسجم‌تر مبارزات طبقاتی خود عضو چنین تشکل‌هایی که در واقع برای تقویت مبارزات طبقاتی خودشان هستند، گردند.

حجت برزگر

۱۳۸۰/۱۲/۰۲ (۲۰۰۲/۰۲/۲۱ میلادی)

## پیشگفتار

چاپ سوم «فراخوان سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل های انقلابی»، با مطالب زیرین که به چاپ سوم برنامه اضافه گشته است، و نیز در واقع تأکیدی دیگر بر سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل های انقلابی حول مطالبات اقتصادی، سیاسی و صنفی مشخص و اساسنامه جهت سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران، پس از گذشت ۷ ماه و نیم از اولین انتشار آن از طریق اینترنت، مجدداً از طریق اینترنت، توسط شبکه نسیم (اتحادیه مارکسیستها)، پخش میگردد. در چاپ سوم طرح برنامه بجز سن (و یا چهارده) که به بخش دوم برنامه، قسمت «زندگی مشترک و روابط جنسی»، اضافه گشته، هیچگونه تغییری در چاپ سوم برنامه صورت نگرفته است.

۱- کارگران و توده های زحمتکش ایران بایستی از هم اکنون مبارزه بی امان خود را جهت سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی و بنابراین خاتمه دادن به سازمانیابی و قدرت گیری رژیم استبدادی و ارتجاعی دیگر، بعد از سرنگونی رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی که استثمار کارگران و توده های زحمتکش را پس از سرنگونی رژیم مستبد و استثمار کننده سلطنتی که توسط مردم ایران یعنی کارگران و توده های زحمتکش صورت گرفته، مجدداً سازمان داده است، تشکل (شوراها و یا اتحادیه های حرفه ای کارگران و توده های زحمتکش) مستقل محلی و سراسری خود را حول مطالبات اقتصادی، سیاسی و صنفی مشخص و نظامنامه از طریق مجامع عمومی خود، با استفاده از امکانات موجود چه در داخل و چه در خارج کشور، سازمان دهند؛ هیئت مدیره (شوراها و اتحادیه ها) محلی (کارخانه ها، کارگاه ها و بطور کلی در تمام قسمتهایی که کارگران اعم از صنعتی و کشاورزی مشغول کارند) را انتخاب نمایند، صندوق های مالی جهت جمع آوری حق عضویت ماهانه (دریافت مبلغی که در توان مالی کارگران و توده های زحمتکش باشد) تدارک ببینند، و سپس هیئات مدیره سراسری (شهری، استانی و کشوری) را نمایندگان محلی، از بین نمایندگان محلی، بطور سلسله مراتب انتخاب نموده، و جهت پیشبرد هر چه منسجم تر فعالیت های کارگران و توده های زحمتکش را در راستای منافع طبقاتی خویش به مقیاس سراسری سازمان دهند.

هسته ها، گروه ها، محفل ها و انجمن های (کارگران و توده های زحمتکش پیشرو) رهبری

کننده، در دوره هایی که رژیم های استبدادی و ارتجاعی حاکم هستند، باید مخفیانه سازمان یابند و آن تشکل ها همراه با اعضای آن مخفی باشند، و فعالیت های علنی خود را جهت سازمان دادن تشکل های (شوراها و اتحادیه ها) مستقل محلی و سراسری کارگران و توده های زحمتکش حول خواسته های اقتصادی، سیاسی و صنفی و نظامنامه از طریق مجامع عمومی کارگران و توده های زحمتکش (که جنبه عمومی دارد)، بطوریکه جان افراد در خطر نیافتد، پیش ببرند.

در صورت امکان، تشکل های سازمانده جهت پیشبرد هر چه سریعتر و منسجم تر این امر بزرگ و تاریخی در ایران با اتحادیه مارکسیستها ارتباط برقرار نمایند؛ و سیاست های اتحادیه مارکسیستها را دنبال کنند.

۲- افراد انقلابی و پیشرو که طرح برنامه پیشنهادی را بعنوان طرح برنامه اصولی جهت پایه ریزی دموکراسی در جامعه می پذیرند، بیدرنگ هسته ها، گروه ها، انجمن ها و محفل ها را چه در داخل و چه در خارج کشور حول طرح برنامه پیشنهادی سازمان داده و فعالیت نمایند، و برای پیشبرد اهداف برنامه، مبارزه گسترده و منسجم سراسری جهت سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم، با اتحادیه مارکسیستها ارتباط برقرار نمایند.

۳- نهادهای سیاسی و صنفی موجود که طرح برنامه را بعنوان برنامه ای اصولی جهت اتحاد عمل بین تشکل های انقلابی به هدف سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران می پذیرند نیز برای سازمان دادن تشکلی واحد که فعالیت های مشترک را حول اهداف برنامه و اساسنامه واحد جهت رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران پیش برد، با اتحادیه مارکسیستها ارتباط برقرار نمایند.

۴- تاکنون فعالیتها و اقداماتی از طرف احزاب، سازمانها، نهادها و انقلابیون منفرد در خارج کشور جهت «اتحاد عمل» و مبارزه علیه رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی صورت گرفته است - با توجه به اینکه این اقدامات جهت پایان دادن از تشدد و پراکندگی تشکل های انقلابی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در جامعه بسیار باارزش است - اما

تاکنون موفق به سازمان دادن تشکلی واحد بر مبنای اهداف و اساسنامه مشخص، جهت فعالیت های مشترک به هدف سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران، سازمان نیافت. انتظار می رود که این فعالیتها و اقدامات احزاب، سازمانها، نهادها و منفردین انقلابی هر چه سریعتر با نتیجه ای مثبت پایان یابد و فعالیت های متشکل خود را در تشکل واحدی نیز حول مطالبات اقتصادی و سیاسی و نظامنامه مشخص جهت سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران آغاز نماید.

اتحادیه مارکسیستها نیز در حد توان خود، کوشش خواهد نمود تا این امر بزرگ و تاریخی به سرانجام رسد، یعنی سازمانیابی تشکلی واحد حول برنامه دموکراتیک بعنوان اقدام اولیه و سوسیالیسم و نظامنامه مشخص واحد، جهت سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران مبارزه میکند.

۵- چنانچه تشکل واحدی از طریق اتحاد احزاب، سازمانها و نهادهای سیاسی مخالف رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی، حول برنامه و اساسنامه واحد (ضمن اینکه احزاب، سازمانها و نهادهای سیاسی بایستی برنامه و اساسنامه تشکیلاتی خود را جهت پیشبرد فعالیت های سیاسی تشکیلاتی مستقل خود حفظ کنند) به هدف سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران - اتحادیه مارکسیستها بعنوان تشکل مارکسیستی نیز خود را موظف در سازماندهی تشکلی واحد حول برنامه و نظامنامه واحد جهت سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم میدانند - سازمان یابد، - حداقل، مبانی اصول پایه ای دموکراسی همراه با مطالبات دموکراتیک که در «طرح برنامه پیشنهادی» (همین برنامه) نوشته شده، پذیرفته گردد (جای بحث، دیالوگ و تبادل نظر حول برنامه واحد باز است) - حتی اگر موقتاً نماینده ای از طرف اتحادیه مارکسیستها مستقیماً در نشست های آن تشکل حضور نداشته باشد، عضو آن تشکل خواهد شد، و همکاریهای لازم را با چنین تشکلی در حد توان خود در جهت سازماندهی و رهبری جنبش های کارگری و توده های زحمتکش



برای سرنگون ساختن رژیم مستبد و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم در ایران انجام خواهد داد.

حجت برزگر

۱۳۸۱/۰۵/۲۶ (۱۷/۰۸/۲۰۰۲ میلادی)

«به همه کارگران آلمان(۷)»

خطاب به کلیه کارگران آلمان!

برادران و کارگران!

اگر نمی خواهیم که باز هم مثل گذشته فریب خورده باقی بمانیم و باز هم بیشتر در سال های متمادی آینده به وسیله گروه قلیلی، استثمار شده، مورد تحقیر قرار گرفته، و پایمال شویم، در این صورت اجازه نداریم که حتی یک لحظه را از دست بدهیم و یک دقیقه را به بطالت و بی عملی بگذرانیم.

اگر مثل گذشته، منفرد و جدا از هم باشیم، ضعیف خواهیم بود، ولو آنکه میلیون ها نفر باشیم. برعکس، اگر متحد و متشکل بشویم، قدرت مقاومت ناپذیری را شکل خواهیم داد. به این جهت، برادران، همه جا (در شهرها و دهات) باشگاه های کارگری تشکیل بدهید و در آنها مناسبات و شرایط ما را به بحث بگذارید و برای تغییر وضع فعلی، ضوابطی را پیشنهاد کنید. نمایندگانی از طبقه کارگر آلمان، برای پارلمان آلمان کاندید و انتخاب کنید و اقدامات دیگری را که برای تأمین و حفظ منافع ما ضروری می باشد، به عمل آورید. از این گذشته، کلیه باشگاه های کارگری آلمان باید تا سرحد امکان به سرعت با یکدیگر رابطه برقرار نمایند و این رابطه را حفظ کنند.

ما پیشنهاد می کنیم، که ماینس را موقتاً به عنوان مرکز کلیه باشگاه های آلمانی برگزینید و با هیات رئیسه ای که این اعلامیه را امضاء کرده است، مکاتبه کنید و در مورد برنامه های مشترک خود تفاهیم به وجود آورید، تا هرچه زودتر در گردهمائی نمایندگان تمام باشگاه ها، بتوانیم محل کمیته مرکزی و غیره را دقیقاً مشخص سازیم.

انتظار داریم که نامه هایتان را بدون پرداخت هزینه پستی برای ما بفرستید، همانطور که ما نیز چنین می کنیم.

ماینس، ۵ آوریل ۱۸۴۸

باشگاه تعلیماتی برای کارگران در ماینس

از طرف هیات رئیسه:

دیبر: کلوس (Cluss)

سخنگو: والو (Wallau)

آدرس: دبیرخانه باشگاه تعلیماتی برای کارگران در ماینس، برسد به دست آدولف کلوس،

ماینس فرانسیین، کانر گاسه شماره ۲/۱۵۶۱

کلیات آثار مارکس - انگلس به انگلیسی، جلد ۷، صفحات ۵۳۵-۵۳۶»

\* توضیح

(۷) «این اطلاعیه از طرف والو عضو کمیته مرکزی اتحادیه کمونیست ها که به تازگی از پاریس آمده بود و کلوس عضو لیگ در ماینس صادر شد. سه روز بعد در ۸ آوریل مارکس و انگلس بر سر راه خود به کلن در ماینس توقیفی داشتند و با کمونیست های محل درباره نقشه ایجاد یک حزب کارگری توده ای، که اتحادیه کمونیست ها هسته اصلی تشکیل دهنده آن باشد، گفتگو کردند؛ (ویراستار)».

\* ناشر: انتشارات نسیم، چاپ اول: ژوئیه ۱۹۹۸ (مرداد ۱۳۷۷)

\* نام کتاب: اتحادیه کمونیست ها، مارکس و انگلس و جنبش کارگری ۱۸۵۳-۱۸۴۸

\* از صفحه ۴۶ تا ۴۷، توضیح ص ۲۰۴.

---

فراخوان

موضوع

نخستین گام و مهم ترین پیش شرط های قبل از سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی سرمایه داری، ایجاد تشکل های مستقل کارگری، اتحاد افشار مختلف زحمتکش با کارگران، و همچنین ایجاد تشکل سیاسی انقلابی واحد، جهت کمک

تئوریک، سیاسی و تلاش پیگیرانه در جهت سازمانیابی کارگران و زحمتکشان به مقیاس سراسری، و به هدف ایجاد دولت دمکراتیک انقلابی (جمهوری دمکراتیک انقلابی) پس از سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، و برقراری سوسیالیسم و کمونیسم در جامعه می باشد.

ازاینرو، برنامه زیرین را در راستای اهداف فوق در اختیار عموم قرار میدهم تا مورد بررسی قرار گیرد، تا از وراء آن، برنامه مشترک تشکل های شرکت کننده به این فراخوان، تنظیم شده و سپس یکپارچه حول برنامه تنظیم شده مشترک، جهت سرنگون ساختن رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی سرمایه داری و به هدف برقراری دولت دمکراتیک انقلابی، متشکلاً وارد عمل شویم. بنابراین پیشنهاد می کنم:

۱- پیشنهادات، نظرات و طرح برنامه پیشنهادی خود را حول طرح برنامه اعلام شده، جهت اتحاد عمل تشکل های انقلابی، برای اتحادیه مارکسیستها، از طریق ا - میل: nasim@comhem.se و melh9000@yahoo.com ارسال نمائید. کلیه مباحث دریافت شده، حول طرح برنامه پیشنهادی اعلام شده، از تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۰ هجری شمسی (۲۰۰۲/۰۲/۰۱ میلادی) تا تاریخ ۰۹/۰۴/۱۳۸۱ هجری شمسی (۲۰۰۲/۰۶/۳۰ میلادی)، هفته ای یک بار (در صورتی که هیچگونه مشکلی، از جمله: تکنیکی رخ ندهد)، از طرف اتحادیه مارکسیستها توزیع خواهد شد. استثنائاً، نویسنده ای که کتباً خواستار توزیع مطلب ارسالی خود نباشد، طبعاً آن مطلب توزیع نمی گردد، بلکه بایگانی خواهد شد.

۲- تشکل های موافق این فراخوان، جهت تنظیم برنامه ای مشترک، و سازماندهی تشکل واحد، نمایندگانی از میان خود انتخاب نمایند (سه نماینده از هر تشکل)، و اقدامات دیگری را که برای تأمین و حفظ این هدف ضروری باشد، به اجراء درآورند.

۳- مخالفین غیرمتشکل رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی که موافق این فراخوان هستند نیز با اتحادیه مارکسیستها مکاتبه نمایند.

۴- تشکل ها فقط از طریق یک ا - میل تشکیلاتی خودشان، مطالب تشکیلاتی خود را، حول طرح برنامه پیشنهادی و سازماندهی تشکیلاتی واحد، ارسال نمایند؛ و باید قبل از تغییر ا - میل اعلام شده خودشان، اتحادیه مارکسیستها را در جریان قرار دهند.

## طرح برنامه پیشنهادی

### بخش اول

#### اهداف

نظام سرمایه داری مسبب اصلی تمام جنگها، تبعیضات اجتماعی، تبعیض نژادی، ستم ملی، ستمکشی زن، جهل و خرافات، هرج و مرج در تولید، بیکاری، بی خانمانی، ستم بر کودک، اعتیاد، تن فروشی و همه رنج ها و نابسامانی های مادی و معنوی است. ازاینرو، نظام سرمایه داری باید نابود گردد، و مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید، که تنها راه برون رفت از این همه مشقت ها است، جایگزین آن گردد. اما، لازمه برقراری سوسیالیسم و کمونیسم در جهان، برچیدن موانع ایست که بر سر راه کارگران هر کشور سرمایه داری قرار دارند. موانعی که در هر کشور، بدلیل وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه، متفاوت هستند. خلاصه کلام، باید ملزومات لازم برای برقراری کمونیسم (مراحل بالاتر جامعه کمونیستی) در جامعه، فراهم آید، یعنی:

«تبعیت اسارت بار انسان از تقسیم کار پایان گیرد، هنگامیکه تضاد بین کار بدنی و کار فکری از جامعه رخت بریندد، هنگامیکه کار از یک وسیله (معاش) به یک نیاز اساسی زندگی مبدل گردد و بالاخره هنگامیکه نیروهای تولیدی همراه با تکامل همه جانبه افراد جامعه افزایش یابد و چشمه های ثروت تعاونی جامعه فوران نماید، تنها در آن زمان می توان از افق محدود حقوق بورژوازی فراتر رفت و جامعه خواهد توانست این شعار را بر پرچم خود بنویسد که: " از هر کس برحسب توانایی اش، به هر کس برحسب نیازش"». (به نقل از «نقد برنامه گوتا» نوشته کارل مارکس).

بنابراین، تا زمانی که جامعه دارای چنین شرایط مشخصی نباشد، انقلاب نمی تواند بلافاصله کمونیستی باشد، بلکه جهت بوجود آوردن شرایط مناسب برای انقلاب سوسیالیستی و کمونیستی در جامعه، مرحله انقلاب، در هر کشوری که استبداد و ارتجاع حاکم است، انقلابی دموکراتیک خواهد بود. به عبارت دیگر، ناچاراً، به دلیل وضعیت سیاسی و اقتصادی نامناسب برای انقلاب سوسیالیستی (مراحل پائینی جامعه کمونیستی) در هر کشور، انقلاب، تنها میتواند جهت براندازی استبداد و ارتجاع، و برقراری دموکراسی باشد، یعنی تثبیت حق و حقوق

دمکراتیک برای تمام افراد جامعه.

در ایران فعلی، یکی از علت های اصلی عقب افتاده گی اقتصادی جامعه، رژیم های استبدادی تاکنونی بوده اند. رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، یکی از این نوع رژیم هاست که باید جهت برقراری دمکراسی و رشد همه جانبه نیروهای تولیدی در جامعه، سرنگون گردد.

تغییر و تحول اقتصادی دهه چهل در ایران (از فئودالی به بورژوازی)، مرحله انقلاب دمکراتیک را نیز امکان پذیر کرده بود؛ که بدلیل سرکوب کارگران و توده های زحمتکش معترض توسط رژیم استبدادی سلطنتی تا سال ۱۳۵۷، و به دلیل غیر متشکل بودن کارگران و زحمتکشان در شکل های مستقل خود در مقیاس سراسری، و بنابراین فاقد برنامه و اساسنامه بودن کارگران و زحمتکشان، قبل از سرنگونی رژیم مستبد سلطنتی، جریان مرتجع اسلامی که نماینده بورژوازی بین المللی (بخش اروپائی آن) بوده است، با پشتیبانی مالی و معنوی بورژوازی اروپا و خرده بورژوازی ایران، و با فرموله کردن شعارهایی در دوره انقلاب ۱۳۵۷ از قبیل: «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «دیو چو بیرون رود فرشته درآید»، «کارگر، برزگر، زما تو را درود»، «حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله»، «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، متحدانه توانستند کارگران و توده های زحمتکش را، جهت به شکست کشاندن مبارزات خودشان در انقلاب ۵۷، فریب دهند، و بدنبال سیاستهای استبدادی، ارتجاعی، جنایتکارانه و استثمارگرانه، از قبل طرح ریزی شده بورژوازی اروپا، بسیج نمایند. بعبارت دیگر، بدلیل غیر متشکل بودن کارگران و توده های زحمتکش به مقیاس سراسری و فاقد برنامه و نظامنامه بودن آنان، و به این ترتیب، عدم دخالت مستقیم و سازمانیافته کارگران و توده های زحمتکش در سیاست، قبل و بعد از سرنگونی رژیم استبدادی سلطنتی، و با پشتیبانی مالی و معنوی بورژوازی اروپا و خرده بورژوازی ایران از جریان اسلامی، متأسفانه، باعث قدرت گیری رژیم مستبد، ارتجاعی، جنایتکارانه و استثمارگرانه جمهوری اسلامی گردیده است، که تاکنون، مانع به فرجام رسیدن انقلاب دمکراتیک شده است.

در این مرحله از انقلاب، یعنی انقلاب دمکراتیک، تنها آن موانع ای (کلیه قوانین دست و پاگیری که مانع رشد نیروهای مولده و سازمانیابی کارگران و زحمتکشان است) که از دوره رژیم استبدادی سلطنتی، و رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی بجا مانده اند، امکان برچیده شدن هستند، و باید هر چه سریعتر جهت رشد و تکامل همه جانبه نیروهای مولده، برچیده شوند. موانع موجود، تنها با سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار

جمهوری اسلامی، که ادامه دهنده سیاست های استبدادی سلطنتی است، و با برقراری نظام دموکراتیک در کشور، امکان برچیده شدن هستند. و فراتر از انقلاب دموکراتیک، انقلاب سوسیالیستی است که باید شرایط مناسب سیاسی و اقتصادی این انقلاب نیز آماده گردد. این شرایط در یک نظام و مناسبات دموکراتیک در جامعه آماده میگردد.

انقلاب سوسیالیستی در جامعه تنها توسط طبقه کارگر و زحمتکش صورت خواهد گرفت، و هدف این انقلاب، الغاء مالکیت خصوصی در جامعه و جایگزینی آن با مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید است. بعبارت دیگر، جامعه بطورکلی توسط تشکل کارگران و زحمتکشان (شوراها)، اداره خواهد گشت؛ که کنگره سراسری نمایندگان منتخب کارگران و زحمتکشان که حداقل یک بار در سال برگزار میگردد، بعنوان عالیترین ارگان تصمیم گیری جامعه خواهد بود. و سرانجام کارمزدی توسط طبقه کارگر لغو خواهد گشت.

انقلاب کمونیستی، انقلابی بین المللی است. یعنی، اجرای قانون «از هر کس بر حسب توانایی اش، به هر کس بر حسب نیازاش» همزمان در چند کشور سوسیالیستی و یا در بهترین حالت در جهان سوسیالیستی امکان پذیر است. بنابراین، بایستی از قبل، شرایط برقراری کمونیسم در جامعه نیز آماده گردد. بعبارت دیگر، بعد از برقراری سوسیالیسم (مراحل اولیه جامعه کمونیستی) در چند کشور جهان، طبقه کارگر این کشورها، متحدانه خواهند توانست، کمونیسم، یعنی قانون «از هرکس بر حسب توانایی اش، به هر کس بر حسب نیازاش»، را نیز در جامعه برقرار نمایند.

بنابراین:

۱- از آنجائیکه در ایران فعلی، به علت ممنوعیت سازمانیابی کارگران و زحمتکشان در تشکل های مستقل خود (یعنی کارگران و زحمتکشان تاکنون موفق نشدند که از طریق مجمع عمومی خود، نمایندگان خود را انتخاب نمایند)، نتوانستند خود را بعنوان یک طبقه متشکل سازند، و همچنین فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، در داخل کشور ایران ممنوع است، ضروری است که جهت از قدرت ساقط کردن هر چه سریعتر مرتجعین حاکم و غیرحاکم، و برقراری دولت دموکراتیک انقلابی در ایران، سوسیالیست ها و کمونیستها، کارگران پیشرو، احزاب، سازمانها، گروه ها و مبارزین منفرد انقلابی، حول برنامه ای مشترک، در سازمانی واحد، متحد گردند.

۲- پرواضح است که دولت دموکراتیک انقلابی، نمیتواند، بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، از طریق انتخابات عمومی سازمان یابد، بلکه

تنها از طریق یک انقلاب، انقلابی که توسط کارگران سازمان یافته و اقشار مختلف ذینفع صورت می گیرد، امکان پذیر است. از اینرو، شرط شرکت تشکل ها در دوره اول امور دولتی کشور، بعد از سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، بایستی این باشد که تشکل ها حداقل، بخش دوم برنامه، یعنی مطالبات دمکراتیک را پذیرفته، مداوماً آن را تبلیغ نموده، و همزمان متحدانه جهت سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی و تا پیروزی انقلاب دمکراتیک، یعنی اجرای مطالبات دمکراتیک در کشور ایران، مبارزه نمایند. به این ترتیب، با سر کار آمدن دولت دمکراتیک انقلابی، طبقه کارگر و توده های زحمتکش با نیروی عظیم سازمانیافته خود، میتوانند زمینه مناسب را برای برپایی اولین دوره کاندیداتوری کلیه تشکل های سیاسی در ایران و انتخابات عمومی، بوجود آورند.

۳- البته، تشکل هایی که کلیت برنامه پیشنهادی را نمی پذیرند، ولی برای ساختن یک سازمان واحد، برای یک دوره، حول خواست های مشترک، جهت براندازی هر چه سریعتر استبداد و مرتجعین و برقراری دولت دمکراتیک، متحدانه وارد عمل شوند، به این معنا نیست که آنها فعالیت سیاسی تشکیلاتی مستقل خود را حول اهداف پایه ای تشکل خود، از دست میدهند، بلکه این تشکل ها، همزمان به موازات فعالیت سیاسی مستقل تشکیلاتی خود، تا اولین دوره کاندیداتوری تشکل ها و انتخابات عمومی، بر سر خواست های مشخص با یکدیگر توافق نموده، و سازمان واحد را جهت سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی و برقراری خواست های مشخص در کشور سازمان داده و مبارزه متحدانه را به پیش میبرند.

۴- رهبری دولت جدید، تا اولین دوره کاندیداتوری تشکل ها و انتخابات عمومی را باید نمایندگان احزاب، سازمانها، نمایندگان کارگران و توده های زحمتکش، که جهت برقراری دولت دمکراتیک، حول برنامه مشترک، متحدانه مبارزه میکنند، تشکیل دهند. تعداد نمایندگان تشکل های شرکت کننده در رأس دولت دمکراتیک بعد از سرنگونی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی، تا اولین دوره کاندیداتوری تشکل ها و انتخابات عمومی، مساوی خواهد بود. نمایندگان تشکل های شرکت کننده در درون تشکل واحد، از طریق انتخابات، از میان خودشان، سلسله مراتب دولت مرکزی (کمیته مرکزی) را سازمان می دهند؛ کلیه ادارات دولتی کشور نیز باید تا پائین ترین سطوح به همین ترتیب سازمان یابند.

## مطالبات دمکراتیک

### حقوق و وظایف

۱- حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد، از شانزده سالگی، اعم از زن و مرد و نیز حق دارند خود را برای انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی (محلّی و سراسری) کاندید نمایند.

۲- انتخابات عمومی سراسری و منطقه ای (استان و شهر) حداقل هر چهار سال یکبار صورت می گیرد. احزاب، سازمانها و تشکل های کارگران (شوراها و یا اتحادیه ها) بالای چهار درصد آراء سراسری، در تشکیّل و اداره امور دولتی کشور شرکت میکنند. تشکل هایی که حد نصاب بالای چهار درصد آراء منطقه ای (استان و شهر) را بدست می آورند، حق شرکت در اداره امور دولتی منطقه مربوطه را دارند. تعداد نمایندگان از هر تشکل، در سطح سراسری به نسبت تعداد آراء رأی دهندگان سراسری و در سطح محلّی به نسبت تعداد آراء رأی دهندگان در سطح محلّی، تعیین میگردد.

۳- تبعیت اقلیت از اکثریت.

۴- دولت رسمی هر دوره چهار ساله را، تشکل و یا جمع تشکل هایی که جهت اداره امور دولتی کشور به توافق رسیده و آرای اکثریت رأی دهندگان را دارا هستند، تشکیّل میدهند.

۵- انحلال سپاه پاسداران و کلیه نیروهای وابسته به آن، نیروهای جاسوسی و اطلاعاتی مخفی رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی؛ دستگیری و محاکمه تمام افرادی که در سرکوبی کارگران معترض، توده های زحمتکش معترض و نیروهای سیاسی مخالف رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی شرکت می کنند.

۶- انحلال آن بخش از نیروهای نظامی و انتظامی ای که در سرکوب کارگران، توده های زحمتکش و کلاً نیروهای مخالف رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی دخالت می نمایند، و دستگیری و محاکمه مسئولین و همه افرادی که در سرکوبی کارگران و زحمتکشان، توده های معترض و تشکل های سیاسی شرکت میکنند.

۷- تسلیح عمومی مردم: وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی بعد از پیروزی انقلاب، تبعیت از قانون رسمی کشور است. رؤسای عالی رتبه نیروهای نظامی و انتظامی بعد از هر دوره



- انتخاباتی، مجدداً توسط نمایندگان دولت جدید، از بین کاندیداها، انتخاب میگردند.
- ۱:۷- لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از بالا در نیروهای نظامی و انتظامی. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض است، مغایرت نماید و از مسئولین آن بخش شکایت کند.
- ۲:۷- نیروهای نظامی و انتظامی باید در حین مأموریت و انجام وظیفه اونیفورم خود را بتن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.
- ۳:۷- ممنوعیت دخالت نیروهای نظامی و انتظامی علیه تشکل های سیاسی و صنفی و فعالیت های سیاسی آنها. وظیفه ارتش (نیروی زمینی، هوایی و دریائی) حفاظت از کشور در مقابل تهاجمات نظامی و حفظ امنیت در کشور میباشد. نیروهای نظامی و انتظامی، در عین حال نیروهای کار هم هستند.
- ۴:۷- ممنوعیت جذب افراد زیر هجده سال به نیروهای نظامی و انتظامی.
- ۵:۷- افراد عضو نیروهای نظامی و انتظامی حق دارند در فعالیت های سیاسی و صنفی شرکت کنند، و در احزاب، سازمانها، اتحادیه ها و شوراهای خودشان و یا دیگر اتحادیه ها و شوراهای عضو شوند. فعالیت تشکل های سیاسی و صنفی (شوراهای، اتحادیه، احزاب، سازمانها، انجمن ها و غیره) در درون نیروهای نظامی و انتظامی آزاد است.
- ۸- تبعیت مقامات کشور، اعم از قضائی و غیره از قانون رسمی کشور.
- ۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی اعم از: آزادی بیان، عقیده، مطبوعات، اجتماعات، انتخابات، تحصن، تظاهرات، اعتصابات، تحزب و تشکیل هرگونه تشکل سیاسی و صنفی.
- ۱۰- ممنوعیت جذب افراد زیر شانزده سال به احزاب و سازمانهای سیاسی.
- ۱۱- آزادی بی قید و شرط انتقاد و نقد، آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.
- ۱۲- ممنوعیت هر نوع تبلیغ نفرت انگیز علیه افراد به بهانه های اعتقاد داشتن و یا اعتقاد نداشتن به «خدا»، پذیرفتن و یا عدم پذیرفتن مذهبی و یا به بهانه های ملیت، قومیت، «نژاد»، رنگ پوست، جنسیت، سیاست و غیره.
- ۱۳- ممنوعیت احزاب و گروه های سیاسی که «برتری» ملی، قومی، «نژادی»، مذهبی و جنسی گروهی از مردم بر دیگران را تبلیغ میکنند و یا اینکه جزو اصول رسماً اعلام شده آنها باشد؛ تبلیغات «برتری» ملی، قومی، «نژادی»، مذهبی و جنسی گروهی از مردم بر دیگران نه تنها ممنوعست بلکه جرم نیز محسوب میشود.
- ۱۴- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر

- مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.
- ۱۵- برابری حقوقی کلیه ساکنین کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، اعتقاد و یا عدم اعتقاد به «خدا»، پذیرفتن و یا نپذیرفتن مذهبی، و به بهانه های رنگ پوست، قومیت، جنسیت، مرام و عقیده سیاسی و غیره.
- ۱۶- صادر کردن کارت شناسایی و گذرنامه (پاسپورت) به زبان رسمی کشور و بین لمللی (انگلیسی) برای تمام فراد کشور. لغو اعمال هر نوع محدودیت ورود و خروج افراد از کشور.
- ۱۷- آزادی انتخاب شغل، عوض نمودن شغل و محل سکونت. آزادی سفر و اقامت در تمام نقاط جامعه برای کلیه انسانها، مصونیت هر انسان و محل سکونت او.
- ۱۸- ممنوعیت سانسور، آزادی حسابرسی و نظارت نمایندگان کارگران و زحمتکشان بر فعالیت ها و اسناد و دفاتر و نهادهای خصوصی و دولتی. ممنوعیت دیپلوماسی سری.
- ۱۹- لغو هر گونه عوارض دولتی در مواردی چون ثبت تولد، زندگی مشترک، جدایی، صدور اسناد و مدارک تحصیلی و کفن و دفن.
- ۲۰- ممنوعیت تفتیش عقاید و دستگیری فعالین سیاسی و عقیدتی.
- ۲۱- تبدیل تمام زندانهای سیاسی به موزه و یا تخریب کامل آن اماکن.
- ۲۲- ممنوعیت دخالت دولت، نهادها و اشخاص در زندگی خصوصی انسانها بدون خواست آنان. ممنوعیت هر نوع جدا سازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران. مصونیت جان و زندگی خصوصی افراد، محل کار و سکونت اشخاص از تعرضات.
- ۲۳- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. پرداخت هزینه اولیه زندگی (مسکن و دیگر وسائل مورد نیاز اولیه زندگی) به متقاضیانی که تعهدات حقوق شهروندی را می پذیرند، و صدور اجازه اقامت و کار به شهروندان جدید در ایران.
- ۲۴- ممنوعیت کنترل مکاتبات، مراسلات و مکالمات افراد. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت. ممنوعیت گردآوری اطلاعات در مورد زندگی افراد بدون کسب اجازه رسمی از خود آنها. حق هر فرد ساکن کشور به دریافت و مطالعه کلیه اطلاعاتی که مراجع دولتی از او در اختیار دارند.

## دادگستری

- ۱- لغو کلیه قوانین موجود (قوانین دوره رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی و ماقبل آن)؛ و تدوین قوانین مدنی و جزائی مدرن و پیشرو.
- ۲- ممنوعیت مجازات اعدام، حبس ابد و آزار و شکنجه انسانها به هر دلیلی. حداکثر مجازات جرم جنائی ۱۲ سال زندان.
- ۳- استقلال حقوقی کامل قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی از قوه مجریه.
- ۴- علنی بودن کلیه محاکمات. تشکیل دادگاه با حضور هیات منصفه در کلیه جرائم عمده جنایی. حق متهم و وکلای او در رد و قبول قاضی و اعضای هیات منصفه.
- ۵- لغو دادگاه های ویژه و رسیدگی به کلیه جرائم در دادگاه های عادی.
- ۶- حق هر کس برای اعلام جرم به دادگاه به ضد هر مقام یا نهاد دولتی.
- ۷- هر متهمی حق دارد آزادانه با انتخاب وکیل مدافع و یا شخصاً از خود دفاع نماید.
- ۸- هر شخص بازداشت شده حق دارد برای رفع بازداشت خود به دادگاه شکایت کند و در صورت رفع اتهام، جبران خسارت بخواهد.
- ۹- صلاحیت دادگاه ها برای بررسی مطابقت یا مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی کشور، در صورت اقامه دعوا توسط اشخاص یا نهادها.

## موازین محاکمات

- ۱- در کلیه محاکمات اصل بر برائت متهم است و بار اثبات جرم بر عهده دادستان و یا طرف شاکی است. اعتراف متهم به تنهایی نباید مدرک جرم محسوب شود.
- ۲- محاکمات باید بدور از تحریک و پیشداوری و در شرایط منصفانه برگزار شود. محل محاکمه، قاضی و هیات منصفه باید به نحوی تعیین شوند که این شرایط تأمین گردد.
- ۳- متهم و وکیل او حق دارند قبل از محاکمه از کلیه ادله و مدارک و شهود دادستان، و یا طرف شاکی، مطلع شوند و آنها را بازبینی کنند.
- ۴- حکم هر دادگاهی حداقل یکبار قابل فرجام خواهی توسط متهم، دادستانی و یا هر دو سوی دعاوی حقوقی است.

- ۵- ممنوعیت دامن زدن به پیشداوری عمومی نسبت به محاکمات و افراد درگیر در آن، مادام که محاکمه خاتمه نیافته است.
- ۶- ممنوعیت محاکمه افراد در شرایط و محیطی که فشار افکار عمومی امکان یک محاکمه بیطرفانه را سلب و یا خدشه دار کرده باشد.
- ۷- شهادت پلیس در محاکمات ارزشی معادل شهادت سایر شهود دارد.
- ۸- قاضی و دادگاه باید کاملاً از روند بازپرسی و تحقیق مستقل باشند. صحت قانونی پروسه تحقیق باید توسط قضات ویژه ای مورد نظارت و تأیید قرار بگیرد.

### حقوق متهمین و مجرمین

- ۱- بدون اعلام جرم حداکثر ۴۸ ساعت اجازه بازداشت وجود دارد. این بازداشتگاه موقت نباید زندان باشد، بلکه بخشی از مقر نیروی انتظامی است که تسهیلات متعارف را دارد.
- ۲- قبل از دستگیری باید حقوق فرد بازداشتی به اطلاع او برسد.
- ۳- هر کس حق فرا خواندن وکیل و یا شاهد برای دستگیری و بازجویی خود را دارد. هر کس حق دارد حداکثر تا دو ساعت پس از بازداشت دو بار با وکیل و نزدیکان خویش و یا هر کس که صلاح میدانند تماس بگیرد.
- ۴- مأموران انتظامی قبل از اعلام جرم حق ندارند بدون اجازه فرد از او انگشت نگاری کنند، عکس بگیرند و یا آزمایشهای پزشکی و تست های کرموزومی بعمل بیاورند.
- ۵- به مجرد دستگیری باید بستگان درجه یک بازداشتی و یا هر کس که خود او تعیین کند از بازداشت وی مطلع شوند.
- ۶- هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم سنگین محسوب میشود؛ رسیدگی به این امر لزوماً نیاز به شاکی خصوصی ندارد و هر شخص و یا نهاد مطلع از شکنجه میتواند به دادگاه شکایت کند.
- ۷- کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.
- ۸- مقاومت غیرخشونت آمیز در برابر دستگیری، تلاش غیرخشونت آمیز برای فرار از زندان و یا اجتناب از دستگیری به خودی خود جرم نیست.
- ۹- نیروهای انتظامی بدون کسب اجازه از خود فرد و یا از مرجع قضایی صاحب صلاحیت حق

- استنطاق و بازرسی شهروندان و یا ورود به اماکن خصوصی آنها را ندارند.
- ۱۰- استقلال پزشکی قانونی و نهادهای تخصصی و لابراتوارهای فنی و علمی و پزشکی که وظیفه بررسی مدارک عینی جرم را بر عهده میگیرند، از پلیس و مراجع انتظامی. این نهادها باید تابع دادگستری باشند.
- ۱۱- مرجع دریافت و بررسی شکایت از پلیس باید مرجعی مستقل از پلیس و نیروهای انتظامی باشد. نتایج تحقیقات این مرجع باید علناً به اطلاع عموم برسد.
- ۱۲- کل پرونده ها و اطلاعات نیروهای انتظامی در مورد هر فرد باید به سهولت برای او قابل دسترسی و مطالعه باشد.
- ۱۳- ناظر بودن قوانین کار و امور اجتماعی و رفاه و بهداشت عمومی بر شرایط زیست و فعالیت اقتصادی زندانیان.
- ۱۴- اداره زندانها باید بر عهده نهادهای مستقل از پلیس و نیروهای انتظامی و تحت نظر مستقیم دادگستری قرار گیرد.
- ۱۵- هیات های بازرسی منتخب مردم حق دارند به تشخیص و انتخاب خود ولو بدون اطلاع قبلی از زندان ها بازدید و بازرسی نمایند.

### مذهب

- ۱- لغو کلیه قوانین مذهبی.
- ۲- جدایی کامل مذهب از دولت، ممنوعیت امتیازات برحسب مذهب و مقام مذهبی، اعتقاد و یا عدم اعتقاد افراد به «خدا» و پذیرفتن و نپذیرفتن مذهبی.
- ۳- لغو تبلیغات مذهبی از طریق وسایل ارتباط جمعی دولتی.
- ۴- ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال، به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی.
- ۵- هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی جامعه شناخته نمیشود.
- ۶- اعتقاد و یا عدم اعتقاد به «خدا» و پذیرفتن و نپذیرفتن مذهبی امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیه افراد در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نپذیرفتن هیچگونه مذهبی آزادند. ممنوعیت هرگونه کمکهای مالی و معنوی دولتی به فعالیتها و مؤسسات مذهبی.
- ۷- مصادره و بازپس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی در طول حکومت رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی به زور و یا از طریق دولت و نهادها و بنیادهای مختلف صاحب شده اند. قرار گرفتن این اموال و اماکن در اختیار نهادهای

منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه.

۸- کلیه مساجد و اماکن مذهبی تبدیل به خانه مردم و یا در غیرقابل استفاده بودن، تخریب و ساختن اماکنی برای استفاده های عام المنفعه، و یا اینکه، در غیاب طرح مشخص، جهت تصمیم گیری، اماکن در اختیار ارگانهای دولتی قرار می گیرند.

۹- تغییر نام کلیه اماکن عمومی ای که نام مذهبی و یا فراد مذهبی و دیگر اشخاص، نام گذاری شده اند.

۱۰- حقوق روحانیون و هزینه اماکن همه مذهبیون را فقط کمک داوطلبانه هم مسلکان مذهبی آنها تأمین می کنند.

۱۱- حذف تعطیلات و رسم و آئین مذهبی از تقویم رسمی کشور.

۱۲- ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت از حیوانات مغایر باشد.

۱۳- ضرورت ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت نهادهای مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه ها. کنترل مراجع قانونی بر حساب ها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاه های مشابه.

### حقوق ملل

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، کلیه ملل ساکن ایران آزادند که سرنوشت خویش را بهر شکل و منجمله با جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند. دولت دموکراتیک واحد، بر اساس اتحاد داوطلبانه ملل، و نه الحاق اجباری آنها تشکیل میگردد؛ این به نفع پرولتاریای ملل ساکن ایران است که دولتی واحد داشته باشند.

چنانچه در منطقه ای از ایران کشمکش ملی وجود داشته باشد، باقیماندن در کشور واحد، خودمختاری و یا جدائی، از طریق پروسه انتخابات آزاد عمومی منطقه ای صورت میگیرد. بنابراین، اگر اکثریت رأی دهندگان در یک منطقه، حتی خواستار تشکیل دولت مستقل باشند، دولت ایران موظف است، به ملت جدا شونده، هرگونه کمک لازم و ممکنه را بنماید؛ و

ممنوعیت دخالت نیروهای نظامی و انتظامی در امر مسئله ملی.

### زندگی مشترک و روابط جنسی

- لغو بدون قید و شرط کلیه قوانین مربوط به زندگی مشترک (ازدواج) دوران رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی و ماقبل آن و تنظیم قوانین پیشرو و مدرن:
- ۱- حق هر فرد، از پانزده (و یا چهارده) سالگی، در برقرار کردن رابطه آزاد جنسی به میل و انتخاب خود. برقراری رابطه جنسی امر خصوصی افراد است و هیچکس حق کنکاش و دخالت در آن را ندارد.
  - ۲- سن قانونی که انسان از تکفل و سرپرستی خارج می شود، هجده سال است و حق هر فرد بالاتر از هجده سال در انتخاب هر نوع شکل زندگی به میل و اراده خود. هیچکس را نباید برخلاف میل او وادار به نوع زندگی خاصی نمود.
  - ۳- ممنوعیت تجاوز جنسی و ممنوعیت برقرار کردن رابطه جنسی بزرگسالان (بالای پانزده و یا چهارده سال) با خرد سالان (زیر پانزده و یا چهارده سال). تجاوز جنسی بزرگسال به بزرگسال جرم محسوب میشود. تجاوز جنسی بزرگسال به کودک، جرم سنگین و در موردی تا حد جرم جنائی محسوب میشود؛ و سوء استفاده جنسی کودکان، از قبیل فروش عکس، فیلم و...، جرم محسوب میشود.
  - ۴- وسائل جلوگیری از حاملگی و بیماری های مقاربتی باید به سهولت در دسترس همه افراد، از پانزده (و یا چهارده) سالگی قرار گیرد.
  - ۵- ثبت نمودن زندگی مشترک و جدایی (در صورت تمایل طرفین) در دفاتر دولتی.
  - ۶- ممنوعیت هر نوع معامله گری در زندگی مشترک نظیر تعیین شیربها، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط زندگی مشترک.
  - ۷- برابری حقوق زن و مرد در امر جدایی و تکفل فرزندان.
  - ۸- برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده است.
  - ۹- لغو انتقال اتوماتیک نام خانوادگی پدر به فرزندان و واگذاشتن تعیین نام خانوادگی نوزادان به توافق و انتخاب مشترک پدر و مادر. در صورت عدم توافق، کودک نام خانوادگی مادر را بر خود خواهد داشت. حذف ستون پدر و مادر از شناسنامه و اسناد هویت رسمی (نظیر گذرنامه، گواهینامه رانندگی و غیره).

- ۱۰- آزادی انتخاب نام و نام خانوادگی جدید از شانزده سالگی.
- ۱۱- حمایت مادی و معنوی دولت از خانواده های تک والدی و یا اصولاً بدون زندگی مشترک صاحب فرزند شده اند، در برابر فشارهای مادی و اخلاقیات ارتجاعی.
- ۱۲- پس از جدایی والدین، در صورت به توافق نرسیدن آنها در امر سرپرستی فرزندان، سرپرستی فرزندان به مادر واگذار میگردد.
- ۱۳- لغو کلیه قوانین و مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکنند.
- ۱۴- حق انحصاری تصمیم گیری زن برای سقط جنین خود و رایگان بودن آن.

### کودکان و جوانان

- ۱- ممنوعیت تنبی جسمی و روانی کودکان و جوانان در خانه، مؤسسات آموزشی، مراکز نگاهداری، بیمارستانها و مراکز روان پزشکی کودکان و نوجوانان و در سطح جامعه بطورکلی. تنبی جسمی و روحی کودکان و نوجوانان، جرم محسوب می گردد.
- ۲- نگهداری و مراقبت همه کودکان و نوجوانان زیر هجده سال بدون سرپرست و یا با سرپرستان فاقد صلاحیت، تحت تکفل دولت، در اماکن مدرن و مجهز.
- ۳- برابری حق وراثت بین فرزندان ژنتیکی و غیر ژنتیکی.
- ۴- بهداشت و درمان مناسب و رایگان برای کلیه افراد زیر هجده سال و معاینه پزشکی اجباری سالانه و منظم.
- ۵- پرداخت حق اولاد به والدین تا هجده سالگی؛ (مقدار آن بر مبنای وضعیت اقتصادی کشور تعیین میگردد).

### آموزش و پرورش

- ۱- تغذیه رایگان در کودکانها و مدارس، و در صورت امکان مالی دولت تا عالی ترین سطوح تحصیل.
- ۲- ممنوعیت هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی در مدارس و مؤسسات آموزشی.
- ۳- آموزش رایگان، برای کلیه افراد به زبان رسمی کشور و زبان بین المللی (انگلیسی) تا



عالی ترین سطوح و اجباری بودن آموزش تا سن شانزده ساله. ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای فراگیری زبانهای دیگر. آموزش جنسی نیز باید جزو دروس دبیرستانها باشد.

### مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر

- ۱- ممنوعیت خرید و فروش مواد مخدر و پیگرد و مجازات عاملین تولید، قاچاق و فروش غیرقانونی مواد مخدر. تولید و فروش مواد مخدر غیرقانونی جرم سنگین، و در بعضی موارد، از جمله: تولید مواد مخدر، در حد جرم جنائی محسوب میگردد.
- ۲- رفع ممنوعیت در اختیار داشتن مواد مخدر به اندازه مصرف شخصی. در جامعه ای که معتاد به مواد مخدر وجود داشته باشد، ممنوعیت در اختیار داشتن مواد مخدر، غیرممکن است، (منظور از مواد مخدر، به آن بخش از مواد مخدر مربوط میشود که از نظر جسمی و روحی برای فرد مصرف کننده و بنابراین برای جامعه زیان بار باشد).
- ۳- مواد مخدری که تولید و فروش آنها ممنوعست، تنها از طریق ادارات مخصوص دولتی، به مصرف کننده آن فروخته میگردد.
- ۴- ثبت کلیه معتادان در دفاتر مخصوص پزشکی.
- ۵- ایجاد کلینیک های دولتی رایگان که نیاز معتادان به مواد مخدر را در صورت اعلام آمادگی آنها برای شرکت در دوره های ترک اعتیاد برآورده میکنند.
- ۶- فروش سرنگ و سوزن تزریق به کلیه معتادان توسط داروخانه ها و درمانگاه ها به منظور مصون داشتن معتادین از بیماری هایی نظیر ایدز، هیپاتیت و غیره و کمک به کنترل ابعاد شیوع این بیماریها.
- ۷- ممنوعیت هر نوع تبعید، زندانی کردن، و جدا سازی معتادان از جامعه به صرف اعتیاد آنها. نفس اعتیاد به مواد مخدر جرم نیست.

### روابط خارجی

- ۱- لغو دیپلماسی سری. افشا و لغو قراردادهای اسارت بار اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی.
- ۲- ممنوعیت ورود کشور به پیمانهای ضد کارگری، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه؛ تخصیص دائمی بخشی از درآمد، و امکانات تکنیکی و تخصصی در کشور به امر کمک به بهبود

- زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم در کشورها و مناطق محروم تر جهان.
- ۳- اعمال فشار سیاسی و دیپلماتیک بر همه رژیم هایی که حقوق فردی و مدنی پایه ای را از شهروندان خود سلب میکنند.
- ۴- همبستگی و کمک مادی و معنوی از جنبش های کارگری، سوسیالیستی و کمونیستی در کشورهای مختلف که برای تحقق حق و حقوق مشابه مواد مندرج در این برنامه مبارزه میکنند.

### اقتصاد

- ۱- دولتی کردن بخش های مهم کشاورزی، دامپروری و صنعتی و مکانیزه کردن آنها تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین امکانات تکنیکی موجود.
- ۲- تمرکز کلیه منابع مهم در دست دولت.
- ۳- افزایش کارخانه های دولتی، کارگاهها، راه آهن و کشتیها.
- ۴- مالیات بر درآمد، مالیات بر ارث (نقدی)، و ازبین بردن وراثت غیرمستقیم (برادر - برادرزاده و غیره)، قرضه های اجباری و غیره. (دریافت مالیات با درنظرگیری مخارج عمومی سالانه کشور، پس انداز دولتی و کمک های بین المللی تنظیم میگردد).
- ۵- لغو کلیه دیون و بدهکاری های کارگران، زحمتکشان و دهقانان به زمینداران، دولت و بانکها. (این بند، به دیون و بدهکاری های دوره رژیم مستبد، ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی مربوط می شود).
- ۶- تمرکز اعتبارات، سیستم قرضه ها و تجارت پول در دست دولت بوسیله یک بانک ملی با سرمایه دولتی.
- ۷- آزادی سرمایه گذاری قانونی در کشور.
- ۸- لغو هرگونه مالیات غیرمستقیم.
- ۹- برقراری بازرسی نمایندگان منتخب کارگران در همه عرصه های اقتصادی.

### قانون کار

- ۱- برقراری فوری حداکثر ۴۰ ساعت کار در هفته (۵ روز ۸ ساعته)، حداقل ۳۰ روز

مرخصی سالانه. مرخصی کوتاه اضطراری بدون کسر حقوق، علاوه بر مرخصی سالانه، برای رسیدگی به مشکلات پیش بینی نشده شخصی و خانوادگی. (حداکثر کارکردن در مواقع اضطراری (بلاعیات طبیعی)، ۸ ساعت در شبانه و روز با در نظرگیری احتساب زمان صرف غذا، استراحت در فواصل کار و غیره).

۲- احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار، استراحت در فواصل کار، زمان صرف شده برای رفت و آمد جزء ساعت کار محسوب میشوند؛ (حداقل ۳ ساعت از ۸ ساعت کار در شبانه و روز، جهت رفت و آمد، صرف غذا، استراحت و استحمام بعد از کار، کاسته میشود). شرکت در کلاسهای آموزشی و زمان تشکیل مجمع عمومی نیز جزء ساعت کار محسوب میشوند.

۳- حداقل دو بار در هر دوره چهار ساله، تعیین مدت کار هفتگی، احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار، استراحت در فواصل کار روزانه و زمان صرف شده برای رفت و آمد، برحسب پیشرفت تکنولوژی، بیکاری، سختی کار، مخاطرات، وضعیت بهداشت و دیگر شرایط فیزیکی کار، توسط نمایندگان منتخب کارگران تعیین می گردد.

۴- بدلیل قاعدگی، مقرر شدن حداقل دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان.

۵- ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، حداقل شانزده هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان با حقوق کامل.

۶- حداقل یک سال مرخصی والدین برای نگهداری نوزاد با حقوق کامل.

۷- ممنوعیت شب کاری از نه شب تا هفت صبح در تمام رشته ها به استثناء رشته هایی که بدلیل فنی و یا رفاه اجتماعی شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است. پرداخت دو برابر حقوق روز کار عادی، برای کار شبانه (از نه شب تا هفت صبح) و تعطیلات رسمی.

۸- تعطیل رسمی روز اول ماه بعنوان روز جهانی کارگران.

۹- یک هفته تعطیلی افراد در ماه، بدون گواهی پزشکی در حین مرخصی با حقوق کامل.

۱۰- یک هفته تعطیلی یکی از والدین در ماه، بدون گواهی پزشکی در حین مرخصی اولاد با حقوق کامل.

۱۱- حداکثر سن بازنشستگی پنجاه و پنج سال و یا پس از ۲۰ سال سابقه کار؛ و انسانها آزادند که در دوران بازنشستگی به کار مورد علاقه خود ادامه دهند. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به بازنشستگان.

۱۲- ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود.

- ۱۳- ممنوعیت پرداخت مزد بصورت جنسی. ممنوعیت تعیین مزد برحسب قطعه کاری یا کار کنتراتی. ممنوعیت تأخیر در پرداخت دستمزد. ممنوعیت هر نوع کسر دستمزد و جریمه به بهانه های مختلف. پرداخت حقوق برای غیبت های موجه، ایام اعتصاب و یا هر نوع توقف تولید مختلف و یا به بهانه های کارفرما (اعم از شرکتهای دولتی و خصوصی).
- ۱۴- ممنوعیت استخدام اعتصاب شکن و یا بکارگیری نیروهای نظامی و انتظامی بجای اعتصابیون در کلیه بنگاه ها، اعم از خصوصی و دولتی.
- ۱۵- تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان منتخب کارگران.
- ۱۶- پرداخت حقوق به همه نمایندگان منتخب کارگران.
- ۱۷- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم.
- ۱۸- تعیین حداقل افزایش سالانه نرخ دستمزد از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکل های کارگری در مقیاس سراسری با نمایندگان سراسری کارفرمایان.
- ۱۹- مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار مشابه.
- ۲۰- تنظیم و اعمال مقررات داخلی (کارگاهها) واحدهای تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب کارگران منطقه مربوطه.
- ۲۱- بیمه بیکاری مکفی بر مبنای حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای هجده سال.
- ۲۲- حق نمایندگان منتخب کارگران به بازرسی دفاتر بنگاهی که در آن کار می کنند. کارفرما موظف است کلیه اطلاعات مورد نیاز کارگران در این بازرسی را در اختیار آنها قرار دهد.
- ۲۳- ممنوعیت اخراج توسط کارفرمایان. تصمیم اخراج با نمایندگان منتخب کارگران است.
- ۲۴- پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل مشابه و یا جدید. آموزش حرفه ای جدید به هزینه دولت برای کارگرانی که حرفه و یا رشته آنها بدلیل تغییرات تکنولوژیک از دور خارج میشود.
- ۲۵- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر هجده سال.
- ۲۶- مجمع عمومی منظم کارگران حداقل یک بار در ماه.
- ۲۷- ایجاد ارگانهای حل اختلاف بین کارگران و کارفرمایان، با شرکت نمایندگان منتخب کارگران منطقه مربوطه.
- ۲۸- صدور اسناد و مدارک تحصیلی و گواهینامه های فنی و غیره.

## رفاه و بیمه های اجتماعی

- ۱- تضمین امکانات رفاهی، ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن و نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار.
- ۲- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارت ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات و ناشی از کار، توانایی کارکردن را از دست میدهند.
- ۳- بیمه کامل همه افراد در مقابل صدمات و خساراتی که در هر زمان دچار می گردند.
- ۴- ایجاد نمودن دفاتر کاریابی در تمام نقاط کشور.
- ۵- تأسیس مسکن مناسب از نظر بهداشت، فضا (اتاق نشیمن، اتاق خواب، هال، آشپزخانه، دستشویی و توالی فرنگی، دوش و وان حمام) و خدمات شهری از جمله: برق، تلفن، یخچال، اجاق آشپزی، بخاری (شوفاژ)، کولر، آب لوله کشی گرم و سرد و غیره برای کلیه افراد کشور، تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین امکانات تکنیکی موجود.
- ۶- تأسیس امکانات رفاهی و فرهنگی تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین امکانات تکنیکی در محیط کار و محلات مسکونی از قبیل سالن استراحت، سالن غذا خوری عمومی (رستوران)، استخر و سونا، حمام، دستشویی و توالی فرنگی، زمین و سالن ورزش، مهدکودک، درمانگاه، کتابخانه، مدارس، سالن موسیقی و رقص و غیره.
- ۷- ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق جامعه اعم از شهری و روستایی از قبیل: برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، مسکن مناسب، راه، مدارس، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات، مهدکودک، سالن غذا خوری عمومی (رستوران)، رختشویخانه عمومی، استخر، توالی فرنگی، پارک، محل تفریح، سالن موسیقی و رقص و غیره تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین امکانات تکنیکی موجود.
- ۸- مراقبت و نگهداری از معلولین، سالمندان و کفن و دفن با بکارگیری پیشرفته ترین امکانات موجود در جامعه، به خرج دولت.
- ۹- ایجاد وسائل ایاب و ذهاب عمومی و حمل و نقل مناسب تحت راهنمایی متخصصین با استفاده از بهترین امکانات تکنیکی موجود.
- ۱۰- تلاش برای هر چه بهتر شدن بهداشت محیط زیست. آزادی ساکنین کشور و نمایندگان

منتخب کارگران در کنترل و حسابرسی تأثیرات فعالیت های دولت و شرکت های خصوصی بر محیط زیست.

۱۱- تشکیل هیاتهای بازرسی کارگری به انتخاب کارگران، این هیاتها از چگونگی نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطورکلی تمام اماکنی که کارگران در آن مشغول کارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی خواهند کرد. هدف از این بازرسی، جهت اجرا شدن نکات فوق میباشد.

\* \* \*

\* ضمائم

\* ضمیمه ۱

### اساسنامه مجمع بین المللی کارگران(\*)

از سند «اساسنامه بین المللی کارگران»

ص ص ۹۸ تا ۱۰۲ متن فرانسه

نوشته: کارل مارکس

از آنجا که:

رهایی طبقه کارگر می بایستی بدست خود کارگران انجام گیرد، که نبرد رهایی بخش طبقه کارگرند در جهت امتیازات و انحصارات طبقاتی بلکه برای حقوق و وظائف برابر و الغاء تمامی رژیم های طبقاتی است،

که کنترل اقتصادی کارگران توسط دارندگان ابزار کار یعنی صاحبان منابع زندگی، اساسی ترین علت بردگی در تمامی اشکال آن یعنی فلاکت اجتماعی، تنزل معنوی و وابستگی سیاسی است،

که در نتیجه، رهایی اقتصادی طبقه کارگر هدف بزرگی است که کل جنبش سیاسی میبایستی تابع آن باشد؛

که تمامی تلاش هایی که به این هدف منتهی میشود تاکنون با شکست روبرو شده و فاقد همبستگی کارگران حرفه های گوناگون در یک کشور و اتحاد برادرانه بین طبقات کارگر کشورهای گوناگون بوده است،

که رهایی کارگران نه امری محلی و نه ملی بلکه امری اجتماعی است که همه کشورهای جوامع مدرن را شامل میشود و برای از میان بردن معضل خود هماهنگی نظری و عملی پیشرفته ترین کشورها را لازم دارد.

که جنبشی که در میان کارگران پیشرفته ترین کشورهای صنعتی اروپا نضج میگیرد، خواستههای جدیدی را مطرح میسازد، این هشدار استثنائی را میدهد که نمی بایستی اشتباهات گذشته را تکرار کرد و اینکه همه کوشش های منفرد و مجزا را باید هر چه سریعتر هماهنگ کرد.

بنا بر تمامی دلایل بالا:

مجمع بین المللی کارگران تأسیس شده است.

این مجمع اعلام میدارد که:

تمامی جوامع و افراد وابسته به این مجمع حقیقت، عدالت و اخلاق را بدون در نظر گرفتن رنگ، اعتقاد و ملیت، پایه و اصل رفتار با دیگران می شناسد. وظیفه بدون حق و حق بدون وظیفه وجود ندارد.

اساسنامه ذیل بر مبنای چنین روحی درک میشود.

ماده ۱: مجمع تأسیس شده است تا مرکز ارتباط و همکاری بین جوامع کارگری کشورهای مختلف که هدف یکسانی دارند باشد. در این مجمع در رابطه با هماهنگی مشترک، پیشرفت و آزادی کامل طبقه کارگر تفاهم وجود دارد.

ماده ۲: نام این مجمع، مجمع بین المللی کارگران خواهد بود.

ماده ۳: هر سال کنگره عمومی کارگری منعقد خواهد شد. این کنگره نمایندگان شعب مجمع را در بر خواهد گرفت. این کنگره خواستههای مشترک طبقه کارگر را اعلام خواهد کرد، ابتکار اقدامات لازم را بمنظور پیشبرد کار مجمع بین المللی بدست خواهد گرفت و به شورای عمومی ارائه خواهد داد.

ماده ۴: هر کنگره ای تاریخ و محل جلسه کنگره بعدی را تعیین میکند. نمایندگان دقیقاً

در مکان و زمان تعیین شده بدون اینکه فراخوان بخصوصی لازم باشد گرد می آیند. در صورت اضطرار، شورای عمومی میتواند مکان کنگره را بدون تغییر تاریخ آن تغییر دهد. هر سال کنگره محل شورای عمومی را تعیین و اعضاء را فرا میخواند. شورای عمومی منتخب وظیفه پذیرش اعضاء جدید را دارد. در هر کنگره سالانه، شورای عمومی گزارش فعالیتهایش را ارائه میدهد. این شورا در صورت نیاز میتواند کنگره را قبل از موعد مقرر فرا خواند.

ماده ۵: شورای عمومی شامل زحمتکشانی است که متعلق به ملت های مختلف اند و به نمایندگی آنها در مجمع بین المللی حضور دارند. شورای عمومی در حضور این نمایندگان مسئولین دفاتر مورد نیاز را جهت انجام امور انتخاب میکند، مسئولینی چون خزانه دار، منشی عمومی و منشی خصوصی برای کشورهای گوناگون و غیره.

ماده ۶: شورای عمومی نقش کارگزار بین المللی را بین گروه های مختلف ملی و محلی دارد، بطوریکه کارگران هر کشور دائماً در جریان جنبش های طبقه خود در دیگر کشورها قرار میگیرند، بطوریکه بررسی وضعیت اجتماعی می بایستی همزمان و بیکسان انجام شود، بطوریکه مسائل مورد علاقه عموم که توسط یک مجمع پیشنهاد میشود توسط دیگر مجامع مورد بررسی قرار گیرد و مثلاً اگر در مورد منازعات بین المللی اقدامی فوری اعلام گردد، همه گروههای مجتمع می بایستی هم زمان و متحدالشکل عمل کنند. شورای عمومی در صورتیکه مناسب بداند ابتکار عمل ارائه پیشنهادات به مجامع محلی و ملی را بدست خواهد گرفت.

شورای عمومی برای سهولت در امر ارتباطات بولتنی فصلی منتشر میکند.

ماده ۷: از آنجا که موفقیت جنبش کارگری در هر کشور نمیتواند تضمین شود مگر توسط قدرتی که از وحدت و همکاری حاصل شود، از آنجا که، از دیگر سو، فعالیت شورای عمومی بسیار مؤثر خواهد بود، اگر بجای مکاتبه با مجامع کوچک محلی و جدا از یکدیگر در ارتباط با مراکز بزرگ ملی جوامع کارگری قرار گیرد، به این دلایل اعضاء بین المللی نهایت تلاش را خواهد کرد تا جوامع کارگری را در کشورهایی که از یکدیگر جدا و منزوی اند در سطحی ملی متحد نمایند و توسط ارگانهای مرکزی نمایندگی کنند.

تردید نیست که کاربرد این ماده تابع قوانین ویژه هر کشور است و گذشته از موانع



قانونی هر مجمع محلی مستقل حق دارد با شورای عمومی مکاتبه کند.

ماده ۷. آ: پرولتاریا در مبارزه علیه قدرت جمعی طبقات دارا نمیتواند بعنوان یک طبقه عمل کند مگر اینکه خود را بعنوان حزب سیاسی مستقلی علیه کلیه احزاب قدیمی که توسط طبقات دارا بوجود آمده است سازمان دهد.

این سازماندهی پرولتاریا در حزب سیاسی برای پیروزی انقلاب اجتماعی و هدف نهایی آن یعنی الغاء طبقات اجتناب ناپذیر است.

ائتلاف نیروهای کارگری که تاکنون از طریق مبارزه اقتصادی بدست آمده، می بایستی در خدمت این طبقه در مبارزه علیه قدرت سیاسی استثمارگران قرار گیرد.

اربابان زمین و سرمایه همیشه در صدد کسب امتیازات سیاسی بمنظور دفاع از تداوم انحصارات اقتصادی خویش و بردگی کارند. فتح قدرت سیاسی به وظیفه عمده پرولتاریا تبدیل میشود.

ماده ۸: هر بخش حق دارد بکمک شورای عمومی منشی خویش را تعیین کند.

ماده ۹: هر کس اصول مجمع بین المللی کارگران را بپذیرد و از آن دفاع کند میتواند به عضویت آن پذیرفته شود. هر بخشی مسئول جذب اعضاء خویش است.

ماده ۱۰: هر عضو مجمع بین المللی که کشور خود را تغییر میدهد از پشتیبانی برادرانه اعضاء برخوردار است.

ماده ۱۱: تمامی مجامع کارگری وابسته به مجمع بین المللی با وجود پیوند برادرانه همبستگی و همکاری، سازمانهای ویژه خود را دست نخورده نگه خواهند داشت.

ماده ۱۲: تجدید نظر در اساسنامه کنونی در هر کنگره ای با تقاضای دو سوم نمایندگان حاضر عملی است.

ماده ۱۳: آنچه در این اساسنامه پیش بینی نشده توسط مقررات ویژه ای که هر کنگره میتواند بررسی و امتحان کند تعیین میشود.

\* بولتن «اسناد و منابع»، شماره اول – دوره مارکس و انگلس،  
مربوط به مباحث اساسنامه  
\* مترجم: آرمان  
\* چاپ اول دی ماه ۱۳۶۸  
\* از انتشارات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
\* از صفحه ۲۶ تا ۲۹

### \* توضیح

(\*) بدلیل روشن متن حاضر را به ضمیمه «باصطلاح انشعابات در انترناسیونال» اضافه میکنم، که مربوط است به چاپ فرانسوی متن که توسط شورای عمومی مجمع بین المللی کارگران در سال ۱۸۷۱ بر مبنای آثار کارل مارکس در لندن بطور رسمی منتشر شد. ت. ا. کتابخانه پلیاد. چاپ ماکسیمیلیان روبیل صفحه ۴۴۹. به این متن در رابطه با کلیه اطلاعات مربوط به متن اساسنامه و تدوین آن مراجعه میکنیم. ماکسیمیلیان روبیل ماده هفت. آ. را بدنبال قطعنامه کنگره لاهای (سپتامبر ۱۸۷۳) در اساسنامه آورده است. این ماده قطعنامه فعالیت سیاسی طبقه کارگر که در کنفرانس لندن در سپتامبر ۱۸۷۱ (صفحه ۷۷ بروشور حاضر) تصویب شورا خلاصه میکند.

---

### \* ضمیمه ۲

#### نظامنامه اتحادیه کمونیست ها

پرولتاریای همه کشورها متحد شوید!

#### بخش اول: اتحادیه

ماده ۱ – هدف اتحادیه: سرنگونی بورژوازی و استقرار حکومت پرولتاریا، از میان بردن

جامعه بورژوازی متکی به اختلافات طبقاتی، و بنیان گذاری یک جامعه بدون طبقه و بدون مالکیت خصوصی است؛

ماده ۲ - شرایط عضویت عبارتند از:

الف: داشتن نحوه زندگی و فعالیتی که متناسب با این هدف باشد؛

ب: صرف انرژی و کوشش برای تبلیغ انقلابی؛

پ: پذیرفتن کمونیزم؛

ت: پرهیز از شرکت در هر نوع تشکیلات سیاسی و ملی ضد کمونیستی و در صورت شرکت در هر نوع تشکیلاتی، اطلاع دادن امر به مسئولین مربوطه؛

ث: اطاعت از تصمیمات اتحادیه؛

ج: سکوت و رازداری در مورد کلیه موضوعات مربوط به اتحادیه؛

چ: عضویت هر فرد باید به اتفاق آراء به تصویب انجمن برسد؛

هر کس که مشمول این شرایط نباشد، حق عضویت در اتحادیه را ندارد (نگاه کنید به بخش هشتم)؛

ماده ۳ - تمام اعضاء، برابر و برادر می باشند و در این خصلت، در هر وصفی موظف به کمک به یکدیگر هستند؛

ماده ۴ - اعضاء، دارای اسامی تشکیلاتی می باشند؛

ماده ۵ - تشکیلات اتحادیه عبارتست از: انجمن ها، حوزه ها، حوزه های رهبری کننده، کمیته مرکزی و کنگره؛

بخش دوم: انجمن

ماده ۶ - انجمن از حداقل ۶ عضو و حداکثر ۲۰ عضو تشکیل میشود؛

ماده ۷ - هر انجمن، یک رئیس انتخاب می کند. رئیس، مدیریت جلسه را به عهده دارد و معاون، صندوق مالی انجمن را اداره می کند و در غیاب رئیس، جانشین او می باشد؛

ماده ۸ - پذیرفتن اعضای جدید به وسیله رئیس انجمن و عضو پیشنهاد کننده، و با موافقت قبلی انجمن، صورت می گیرد؛

ماده ۹ - انواع مختلف انجمن ها، متقابلاً با یکدیگر آشنائی نداشته و هیچ گونه مکاتبه ای با هم نخواهند داشت؛

ماده ۱۰ - انجمن ها، اسامی مختلفی دارند؛

ماده ۱۱ - هر یک از اعضاء موظف است تغییر محل سکونتش را از قبل به اطلاع رئیس انجمن برساند؛

بخش سوم: حوزه

ماده ۱۲ - حوزه حداقل از ۲ و حداکثر از ۶ انجمن تشکیل می یابد؛

ماده ۱۳ - رؤسا و نایب رئیسان انجمن ها، حوزه رهبری کننده را تشکیل می دهند، که از میان خود یک رئیس انتخاب میکنند. حوزه با انجمن های خود و حوزه رهبری کننده مربوطه مکاتبه می کند؛

ماده ۱۴ - حوزه رهبری کننده، هیات اجرائیه تمام انجمن ها و حوزه ها را تشکیل می دهد؛

ماده ۱۵ - انجمن هائی که منفرد هستند، باید یا به یکی از حوزه هائی که تاکنون وجود داشته اند، ملحق شوند و یا آنکه با سایر انجمن های منفرد، حوزه جدیدی را تشکیل بدهند؛

بخش چهارم: حوزه رهبری کننده

ماده ۱۶ - حوزه های مختلف یک کشور و یا یک ایالت، تحت سرپرستی یک حوزه رهبری

کننده قرار دارند؛

ماده ۱۷ - تقسیم بندی حوزه های اتحادیه در ایالت و یا انتصاب حوزه مدیریت، به وسیله کنگره و به پیشنهاد کمیته مرکزی صورت می گیرد؛

ماده ۱۸ - حوزه رهبری کننده، هیات اجرائیه کلیه حوزه های ایالت خود بوده و با حوزه های خود و کمیته مرکزی روابط کتبی دارد؛

ماده ۱۹ - حوزه هایی که تازه تشکیل می شوند، به نزدیکترین حوزه رهبری کننده ملحق می گردند؛

ماده ۲۰ - حوزه های رهبری کننده، موقتاً در مقابل کمیته مرکزی و اصولاً در مقابل کنگره مسئول می باشند؛

#### بخش پنجم: کمیته مرکزی

ماده ۲۱ - کمیته مرکزی، هیات اجرائیه تمام اتحادیه بوده و در این مقام در مقابل کنگره مسئول می باشد؛

ماده ۲۲ - کمیته مرکزی، حداقل از پنج عضو تشکیل می شود و از حوزه رهبری کننده محلی که کنگره در آن تشکیل شده است، انتخاب می گردد؛

ماده ۲۳: کمیته مرکزی با حوزه های رهبری کننده ارتباط کتبی دارد و هر سه ماه یک بار در مورد وضع تمام اتحادیه به آنها گزارش میدهد؛

#### بخش ششم: مقررات مشترک

ماده ۲۴ - انجمن ها و حوزه های رهبری کننده و همچنین کمیته مرکزی، لااقل هر ۱۴ روز

یک بار تشکیل جلسه می دهند؛

ماده ۲۵ - اعضای حوزه رهبری کننده و کمیته مرکزی، برای مدت یک سال انتخاب میشوند. آنها می توانند مجدداً انتخاب بشوند و یا هر زمان، از طرف انتخاب کنندگان از کار برکنار گردند؛

ماده ۲۶ - انتخابات در ماه سپتامبر صورت میگیرند؛

ماده ۲۷ - مسئولین حوزه ها موظفند، که مباحثات انجمن ها را متناسب با اهداف اتحادیه اداره کنند. چنانچه کمیته مرکزی بحث درباره مسایل خاصی را متضمن منافع عمومی و بلاواسطه ای تشخیص بدهد، در این صورت باید تمام اتحادیه را دعوت به بحث درباره آن مسایل بنماید؛

ماده ۲۸ - اعضای منفرد اتحادیه، باید لااقل هر سه ماه یک بار و انجمن های منفرد لااقل هر ماهه با مسئولین مربوطه حوزه تماس کتبی داشته باشند؛  
هر حوزه باید لااقل هر دو ماه یک بار به حوزه رهبری کننده و هر حوزه رهبری کننده لااقل هر سه ماه یک بار به کمیته مرکزی، درباره ناحیه مربوط خود گزارش بدهد؛

ماده ۲۹ - هر یک از مسئولین اتحادیه موظف هستند، ضوابطی را که مربوط به پاسداری و فعالیت شدید می باشد، در چهارچوب نظامنامه، به مسئولیت خود و با گزارش فوری آن به مسئولین بالاتر، مرعی دارند؛

بخش هفتم: کنگره

ماده ۳۰ - کنگره، مرجع مقننه تمام اتحادیه است. کلیه پیشنهادهای که درباره تغییر نظامنامه باشند، توسط حوزه رهبری کننده به کمیته مرکزی فرستاده می شود و توسط آن در کنگره مطرح می گردد؛

ماده ۳۱ - هر حوزه، یک نماینده به کنگره می فرستد؛

ماده ۳۲ - هر حوزه منفرد که کمتر از ۳۰ نفر عضو داشته باشد، یک نماینده و اگر کمتر از ۶۰ عضو داشته باشد، دو نماینده و چنانچه کمتر از ۹۰ عضو داشته باشد، سه نماینده به کنگره می فرستد و قس علیهذا. حوزه ها میتوانند افرادی را که عضو اتحادیه بوده، ولی متعلق به ناحیه آن نمی باشند، به نمایندگی خود به کنگره اعزام دارند و البته در این صورت باید وظایف محوله به نماینده خود را مشروحاً اعلام نمایند؛

ماده ۳۳ - کنگره در ماه اوت هر سال تشکیل میشود. در موارد ضروری، کمیته مرکزی، کنگره فوق العاده ای را فرا میخواند؛

ماده ۳۴ - کنگره، هر بار، محلی را که کمیته مرکزی باید در سال آینده محل اجلاس خود قرار دهد، تعیین می کند و محلی را که کنگره آینده در آن تشکیل خواهد شد، مشخص می سازد؛

ماده ۳۵ - کمیته مرکزی دارای حق شرکت در کنگره می باشد، ولی حق رأی قطعی نخواهد داشت؛

ماده ۳۶ - کنگره در پایان هر دوره اجلاس خود، علاوه بر قطعنامه ها، مانیفستی به نام حزب صادر میکند؛

#### بخش هشتم: تخلف از مقررات اتحادیه

ماده ۳۷ - هر کس که از شرایط عضویت تخلف نماید (ماده ۲)، به مقتضای امر یا از اتحادیه برکنار و یا اخراج خواهد شد. اخراج فرد، موجب محرومیت از حق عضویت مجدد او میشود؛

ماده ۳۸ - فقط کنگره حق دارد درباره اخراج اعضاء تصمیم بگیرد؛

ماده ۳۹ - هر یک از اعضاء می تواند توسط حوزه و یا انجمن منفرد برکنار شود، مشروط بر آن که بلافاصله به مسئولین بالاتر گزارش داده شود. کنگره بالاترین مرجع رسیدگی به این موضوع است؛

ماده ۴۰ - قبول مجدد عضو برکنار شده از اتحادیه، به وسیله کمیته مرکزی و به پیشنهاد حوزه صورت می گیرد؛

ماده ۴۱ - مسئولین حوزه درباره تخلفاتی که از مقررات اتحادیه صورت گرفته است، داوری کرده و حکم را بلافاصله به مورد اجرا می گذارند؛

ماده ۴۲ - اعضائی که از اتحادیه برکنار و یا اخراج شده اند، و همچنین اصولاً تمام عناصر مظنون، باید از طرف اتحادیه تحت نظر قرار گرفته و خنثی گردند. فعالیت این گونه افراد، باید فوراً به انجمن های مربوطه گزارش شود؛

#### بخش نهم: امور مالی اتحادیه

ماده ۴۳ - کنگره برای هر کشور، حداقل مبلغی که هر یک از اعضاء باید بپردازد، را تعیین می کند؛

ماده ۴۴ - نصف این مبلغ به کمیته مرکزی تعلق می گیرد و نصف دیگر آن در صندوق حوزه و یا انجمن می ماند؛

ماده ۴۵ - عواید کمیته مرکزی به مصارف زیر می رسند:

۱- تأمین مخارج ارتباطی و اداری؛

۲- چاپ و انتشار اعلامیه های تبلیغاتی؛

۳- اعزام فرستادگان مخصوص کمیته مرکزی در موارد لزوم؛

ماده ۴۶ - عواید مراجع محلی به مصارف زیر می رسند:

۱- تأمین هزینه مکاتبات؛



۲- چاپ و انتشار اعلامیه های تبلیغاتی؛

۳- اعزام گاه به گاه فرستادگان مخصوص؛

ماده ۴۷- چنانچه انجمن ها و حوزه هائی بیش از شش ماه حق عضویت خود را به کمیته مرکزی نفرستاده باشند، کمیته مرکزی تعلیق آنها از اتحادیه را اعلام می دارد؛

ماده ۴۸- مسئولین حوزه ها باید حداکثر هر سه ماه یک بار، صورت حساب مخارج و عواید خود را به انجمن های خود ارائه بدهند. مسئولین مرکزی در مورد اداره امور مالی اتحادیه و موجودی صندوق آن، به کنگره حساب پس می دهند. هر نوع سوء استفاده از پول های اتحادیه، مورد شدیدترین تنبیهات قرار می گیرد؛

ماده ۴۹- مخارج فوق العاده و مخارج کنگره به وسیله حق عضویت های فوق العاده تأمین میشوند؛

#### بخش دهم: پذیرفتن عضو

ماده ۵۰- رئیس انجمن، مواد ۱ تا ۴۹ را برای فردی که باید به عضویت پذیرفته بشود، می خواند و در خطابه کوتاهی، وظایف و تعهدات عضو جدید را موکداً تشریح می کند و سپس از او سؤال می نماید: «اکنون آیا مایل هستی که عضو اتحادیه بشوی؟» در صورتی که او به این سؤال جواب مثبت بدهد، رئیس از او قول شرف می گیرد که تعهدات یک عضو اتحادیه را انجام بدهد و سپس عضویت او را در اتحادیه اعلام داشته و در جلسه بعدی انجمن او را به اعضاء معرفی میکند؛

لندن، ۸ دسامبر ۱۸۴۷

به نمایندگی از طرف کنگره دوم، پائیز ۱۸۴۷

منشی: انگلس

رئیس: کارل شاپر

ناشر: انتشارات نسیم، نام کتاب: اتحادیه کمونیست ها، از ص ۳۱ تا ۳۶.

\* ضمیمه ۳

### نظامنامه اتحادیه کمونیست ها (۲۴)

۱- هدف اتحادیه کمونیست ها این است که از طریق کلیه وسایل تبلیغاتی و مبارزه سیاسی، جامعه کهنه را درهم بکوبد و بورژوازی را سرنگون سازد و رهائی معنوی، سیاسی، و اقتصادی پرولتاریا و انقلاب کمونیستی را تحقق بخشد. اتحادیه، در مراحل مختلفی که مبارزه پرولتاریا طی می کند، همواره نماینده منافع کلیت جنبش بوده و پیوسته می کوشد تا کلیه نیروهای انقلابی پرولتاریا را در درون خود متحد سازد و سازماندهی نماید. اتحادیه، تا زمانی که انقلاب پرولتری به هدف نهائی خود نایل نیامده باشد، مخفی و انحلال ناپذیر خواهد بود؛

۲- فقط کسی میتواند عضو بشود، که واجد شرایط زیر باشد:

الف: از قید تمام ادیان و از هر گونه رابطه با سازمانهای مذهبی و یا از التزام به شرکت در مراسمی که مطابق با قوانین مدنی ضروری نیستند، رها باشد؛  
ب: نسبت به شرایط، سیر تکامل، و هدف نهائی جنبش پرولتری احاطه داشته باشد؛  
پ: از کلیه تشکلهای و تلاشهایی که با هدف اتحادیه خصومت دارند و یا سد راه پیشرفت آن هستند، دوری گزینند؛  
ت: در تبلیغ اهداف اتحادیه، شوق و توانایی داشته باشد و نسبت به اعتقادات و قدرت عملی انقلاب وفاداری تزلزل ناپذیر نشان دهد؛  
ث: در مورد کلیه امور اتحادیه بشدت رازدار باشد؛

۳- پذیرفته شدن به عضویت اتحادیه با موافقت یکپارچه انجمن صورت می گیرد و معمولاً به وسیله رئیس انجمن و در حضور اعضای آن انجام می پذیرد. اعضاء موظفند که بدون قید و شرط از تصمیمات اتحادیه پیروی کنند؛

۴- هر کس که از شرایط عضویت تخلف نماید، اخراج خواهد شد. در مورد اخراج فردی،

اکثریت انجمن تصمیم می گیرد. کمیته مرکزی می تواند در صورت تقاضای یک حوزه، تمام یک انجمن را اخراج کند. اسامی اخراج شدگان به تمام اتحادیه اطلاع داده می شود و مانند هر عنصر مشکوکی از طرف اتحادیه تحت نظارت قرار خواهند گرفت؛

۵- اتحادیه از انجمن ها، حوزه ها، کمیته مرکزی، و کنگره تشکیل می شود؛

۶- انجمن ها لااقل از سه عضو که در محل واحدی زندگی می کنند، تشکیل می شوند و هر کدام از آنها یک رئیس، که جلسات را اداره می کند و یک معاون، که صندوق دار است را انتخاب می کنند؛

۷- انجمن های یک کشور یا یک ایالت تحت یک انجمن اصلی یعنی یک حوزه، که توسط کمیته مرکزی تعیین می شود، قرار دارند. انجمن ها فقط با حوزه خود و حوزه ها فقط با کمیته مرکزی مستقیماً تماس خواهند داشت؛

۸- انجمن ها، لااقل هر دو هفته یک بار بطور مرتب تشکیل جلسه می دهند. آنها لااقل یک بار در ماه با حوزه مربوطه خود و حوزه ها لااقل هر دو ماه یک بار با کمیته مرکزی تماس کتبی خواهند داشت. انجمن ها، فقط با حوزه مربوطه خود و حوزه ها با کمیته مرکزی رابطه خواهند داشت. کمیته مرکزی هر سه ماه یک بار در مورد وضع اتحادیه گزارش می دهد؛

۹- رئیس و معاون انجمن ها و حوزه ها برای مدت یک سال انتخاب می شوند و در هر زمان می توانند از طرف انتخاب کنندگان خود معزول گردند. اعضای کمیته مرکزی فقط به وسیله کنگره از کار برکنار می گردند؛

۱۰- هر یک از اعضای اتحادیه باید ماهانه مبلغی به عنوان حق عضویت بپردازد. حداقل این مبلغ را کنگره تعیین می کند. نیمی از این مبلغ به حوزه تعلق داشته و نیم دیگر به کمیته مرکزی داده می شود و به مصرف مخارج اداری، انتشار آثار تبلیغاتی، و اعزام فرستاده های مخصوص می رسد. حوزه ها، هزینه مکاتبه انجمن های خود را می پردازند. حق عضویت ها هر سه ماهه یک بار به حوزه ها پرداخت می شود و حوزه ها نیمی از درآمد

خود را به انضمام گزارش مالی مربوط به مخارج و درآمدهای انجمن های خود، برای کمیته مرکزی ارسال می دارند. کمیته مرکزی در مورد پول هائی که دریافت داشته است، به کنگره گزارش می دهد. مخارج اضطراری به وسیله حق عضویت های فوق العاده تأمین خواهند شد؛

۱۱- کمیته مرکزی، مرجع اجرائی تمام اتحادیه است و لاقلاً سه عضو خواهد داشت و از طرف حوزه ای که کنگره محل آن را تعیین کرده است، انتخاب و یا تکمیل خواهد شد و فقط در مقابل کنگره مسئول می باشد؛

۱۲- کنگره، مرجع قانگذار اتحادیه است و از نمایندگان منتخب در جلسات حوزه ها تشکیل می شود. حوزه ها در ازای هر پنج انجمن یک نماینده خواهند داشت؛

۱۳- مجمع حوزه ها، از نمایندگان حوزه ها تشکیل می شود و بطور منظم هر سه ماه یک بار در محل حوزه و تحت ریاست هیات رئیسه حوزه اصلی، برای شور درباره مسایل حوزه ها برگزار می گردد. مجمع حوزه ها بطور تغییر ناپذیری هر سال، در اواسط ژوئیه، برای انتخاب نمایندگان به کنگره اتحادیه تشکیل می یابد؛

۱۴- چهارده روز بعد از پایان انتخابات مجمع حوزه ها، کنگره بر طبق مقررات مربوطه در محل کمیته مرکزی تشکیل می شود، مگر آنکه این مرجع محل دیگری را تعیین کرده باشد؛

۱۵- کمیته مرکزی در کنگره شرکت می کند، ولی حق رأی قطعی نخواهد داشت و باید در مورد مجموعه فعالیت های خود و وضع اتحادیه به کنگره گزارش بدهد. کنگره اصول اساسی سیاستی را که اتحادیه باید تعقیب کند، اعلام می دارد و در مورد تغییرات نظامنامه تصمیم می گیرد و محل کمیته مرکزی سال آینده را تعیین می کند؛

۱۶- کمیته مرکزی می تواند در موارد ضروری کنگره فوق العاده را فرا بخواند، که شرکت کنندگان در آن نمایندگان خواهند بود که از طرف حوزه ها برای کنگره قبلی برگزیده شده بودند؛

۱۷- اختلافات میان اعضای انجمن ها، بطور قطعی توسط خود انجمن و اختلافات میان

افراد حوزه، فقط در خود حوزه حل خواهد شد و رسیدگی به اختلافات میان اعضای حوزه های مختلف، توسط کمیته مرکزی صورت خواهد گرفت. شکایت شخصی از اعضای کمیته مرکزی، در کنگره مطرح می شوند. اختلافات میان انجمن های یک حوزه، توسط حوزه مربوطه و اختلافات میان انجمن ها با حوزه مربوطه شان و همچنین اختلافات میان حوزه های مختلف، توسط کمیته مرکزی بررسی می گردد. تقاضا برای بازبینی نحوه حل اختلاف در مورد اول به مجمع حوزه ها و در مورد دوم به کنگره می تواند رجوع داده شود. کنگره همچنین در مورد کلیه اختلافات میان کمیته مرکزی و سایر حوزه های پائین اتحادیه تصمیم می گیرد.

۱۰ دسامبر ۱۸۵۰

کلیات آثار مارکس - انگلس، به انگلیسی، جلد ۱۰، صفحات ۶۳۴-۶۳۶

\* توضیح

(۲۴) نظامنامه اتحادیه کمونیست ها در دومین کنگره اتحادیه در دسامبر ۱۸۴۷ به تصویب رسید. در نیمه دوم ۱۸۴۸، کمیته مرکزی لندن تغییراتی در آن داد که موجب تنزل اهمیت اصولی آن گردید. در ماده اول نظامنامه جدید، بجای فرمول بندی دقیق هدف نهایی جنبش کمونیستی پرولتاریایی، سقوط بورژوازی، حکومت پرولتاریا و ساختن جامعه بی طبقه کمونیستی، تقاضای مبهم و ناروشن ایجاد یک جمهوری سوسیال قرار داده شد. مول، ضمن مسافرتی که در زمستان ۴۹-۱۸۴۸ به آلمان نمود، این نظامنامه را میان اعضای اتحادیه در آلمان پخش کرد. در مارس ۱۸۴۹، در هنگام دستگیری اعضای یکی از حوزه های برلن، که هتسل آن را رهبری می کرد، متن این نظامنامه به دست پلیس آلمان افتاد و بعداً در محاکمه گروه هتسل بر علیه آنها به عنوان مدرک و دلیل جرم مورد استفاده مقامات دولتی قرار گرفت. پس از انشعاب در کمیته مرکزی «اتحادیه کمونیست ها»، در سپتامبر ۱۸۵۰، کمیته مرکزی جدید اتحادیه در کلن، تحت رهنمودهای مارکس و انگلس، در دسامبر ۱۸۵۰، نظامنامه جدیدی تنظیم کرد. در دهم دسامبر ۱۸۵۰، این نظامنامه همراه با اسناد دیگر کمیته مرکزی برای حوزه اتحادیه در لندن ارسال شد و در نشست پنجم ژانویه ۱۸۵۱ این حوزه، که مارکس نیز در آن شرکت داشت، مورد تأیید قرار گرفت؛

ناشر: انتشارات نسیم، ص ۸۹ تا ۹۱، توضیح ص ۲۰۹.

## سازمانیابی و برکناری نمایندگان منتخب مردم

۱- نمایندگان مرکزی (کشوری) منتخب مردم در یک کشور:



۱:۱- همه انسانهای بزرگسال (از شانزده سالگی)، در هر کشور، میتوانند خود را برای شوراهای محلات کار و زیست کاندید نمایند.

۲:۱- همه انسانهای بزرگسال در یک کشور، افرادی از کاندیداها را به عنوان نمایندگان خود برای شوراهای محلات کار و زیست خود، و برای دوره ای (فاصله بین دو کنگره کشوری نمایندگان شوراها)، انتخاب مینمایند.

۳:۱- همه نمایندگان انتخاب شده دوره های قبل شوراها نیز میتوانند بدون هیچ محدودیتی خود را برای دوره های انتخاباتی بعدی شوراها کاندید نمایند.

۴:۱- نمایندگان شوراها برحسب بیشترین آراء از بین کاندیداها انتخاب میشوند.

۵:۱- همه نمایندگان انتخاب شده شوراهای محلات کار و زیست نیز در انتخاباتی دیگر، از بین خود، نمایندگان شوراهای عالیتر را انتخاب میکنند. فرضاً، از بین خود، نمایندگان شوراهای شهرها را انتخاب می نمایند. نمایندگان شوراهای شهرها نیز از بین خود، نمایندگان شوراهای استانها را انتخاب میکنند و نمایندگان شوراهای استانها نیز از بین خود، نمایندگان شورای کشور را انتخاب میکنند و غیره.

۶:۱- روش تصمیم گیری در شوراها رأی گیری خواهد بود، و رأی اکثریت مطلق قابل اجراست.

۷:۱- مصوبات شورای عالیتر برای شورای پائین تر لازم الاجراست.

۸:۱- قابل عزل بودن هر نماینده هر گاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند.

۱:۸:۱- نمایندگان شوراها از طرف یک مرحله پائین تر شوراها قابل عزل هستند، و به یک مرحله پائین تر شوراها برمیگردند، در این صورت شورای عزل کننده، نماینده و یا نمایندگانی را از بین خود انتخاب و جایگزین عزل شوندگان میکند.

۲:۸:۱\_ و یا چنانچه، اکثریت انتخاب کنندگان، خواهان عزل نماینده و یا نمایندگانی باشند که به عنوان مثال در شورای کشوری هستند، در آن صورت نمایندگان برکنار شونده، اتوماتیک وار به جایگاه اولیه خود برمیگردند، ولی جایگزینی آنان از طرف یک مرحله پائین تر شورای (کشوری) که از بین خود، نماینده یا نمایندگانی را انتخاب کرده، صورت میگیرد. جایگزینی شوراها پائین تر از شورای کشوری نیز به این ترتیب تا سطح شورای محل یا محلات کار و زیست انجام میگیرد.

۲\_ نمایندگان منتخب کشوری برای هر قاره (پنج قاره):



۲:۱\_ نمایندگان کشوری شوراها مردم از بین خود نیز تعدادی از افراد را بعنوان نمایندگان قاره ای انتخاب مینمایند. تعداد نمایندگان بستگی به حجم کارهایی دارد که باید انجام گیرد.

۳\_ نمایندگان منتخب از هر قاره برای شورای مرکزی (سراسری):



۳:۱\_ نمایندگان قاره ای نیز به نوبه خود، از بین خود تعدادی از افراد را برای شورای مرکزی (سراسری) جهت سهولت بخشیدن انجام کارها انتخاب مینمایند.

\* مجموع اطلاعات تولیدی، توزیع و غیره نزد شورای مرکزی (نمایندگان سراسری) قرار میگیرد که باید دائماً به اطلاع تمام انسانها رسانده شود.

حجت برزگر

**کارگران همه کشورها متحد شوید!**